



## تجارت روسیه در بنادر شمالی ایران در دوره ناصرالدین شاه

نعیمه قربانی واجارگاه، علی اکبر خدری زاده، غلامرضا زمردیان<sup>۲</sup>

۴۴

دوره ۱۶، شماره ۱، پیاپی ۴۴  
بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:  
۱۴۰۴-۸-۱۱

تاریخ پذیرش:  
۱۴۰۵-۱-۱۷

صص: ۹۲-۷۵

شابا چاپی: ۵۵۸۰-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی صنعت گواهی در:  
JOURNALS.MSRT.IR

### چکیده

این پژوهش به تحلیل و بررسی روابط تجاری ایران و روسیه در دوره ناصرالدین شاه می پردازد. در این دوره، تلاش‌های ناکام دولت برای صنعتی سازی کشور، همراه با شکست‌های پی‌درپی کارخانجات قند، ریسمان، کاغذ و شیشه، موجب شد تا مسیر توسعه اقتصادی ایران بیش از پیش به حوزه کشاورزی و تجارت خارجی وابسته شود. پژوهش حاضر با اتکا به منابع آرشیوی و کتابخانه ای و با روش تحقیق توصیفی و تحلیلی، به بررسی ابعاد مختلف تجارت روسیه در بنادر شمالی ایران در عصر ناصری پرداخته و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن را تحلیل می‌کند به نظر می‌رسد روسیه با بهره‌گیری از امتیازات سیاسی و اقتصادی، از جمله احداث جاده‌ها، سرمایه‌گذاری در شیلات و تأسیس بانک استقراضی، توانست نفوذ خود را در اقتصاد ایران تثبیت کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که: در این دوره بنادر شمالی ایران، به‌ویژه انزلی، آستارا و بندرگز، نقش محوری در صادرات محصولات کشاورزی همچون ابریشم، برنج، پنبه و چای به روسیه ایفا کردند. اهمیت این بنادر نه تنها در تأمین مواد اولیه صنایع روسیه بلکه در شکل‌گیری وابستگی اقتصادی ایران به بازارهای شمالی آشکار شد.

### واژه‌های کلیدی:

تجارت دریایی، بندر انزلی، بندر آستارا، ناصرالدین شاه، بندر ترکمن، قدرت نرم

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
khedrizadeh@yahoo.com (نویسنده مسئول)
۳. گروه مدیریت مالی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## مقدمه و بیان مسأله

قرن نوزدهم میلادی برای ایران، به‌ویژه در دوره سلطنت ناصرالدین شاه، دوره‌ای پرچالش و سرنوشت‌ساز در عرصه اقتصادی و سیاسی بود. در این زمان، ایران در مواجهه با قدرت‌های بزرگ جهانی، به‌ویژه روسیه و انگلستان، ناگزیر شد جایگاه خود را در نظام اقتصادی بین‌المللی بازتعریف کند. تلاش‌های اولیه برای صنعتی‌سازی کشور، که با حمایت امیرکبیر آغاز شد، به دلیل ضعف مدیریت، کمبود سرمایه و کیفیت پایین مواد اولیه، با شکست‌های متوالی روبه‌رو گردید. کارخانه‌های قند، ریسمان، کاغذ و شیشه نمونه‌هایی از این ناکامی‌ها بودند که نه تنها سودآوری نداشتند بلکه خزانه دولت را تهی کردند. در نتیجه، مسیر توسعه اقتصادی ایران بیش از پیش به کشاورزی و تجارت خارجی وابسته شد.

بنادر شمالی ایران اهمیت ویژه‌ای یافتند. موقعیت جغرافیایی این بنادر در کرانه‌های دریای مازندران، امکان ارتباط مستقیم با روسیه را فراهم می‌کرد. محصولات کشاورزی مناطق شمالی، همچون ابریشم، برنج، پنبه و چای، به بازارهای روسیه صادر می‌شد و تقاضای رو به رشد این کشور برای مواد اولیه، انگیزه‌ای برای گسترش تولید در ایران ایجاد کرد. این وابستگی تجاری پیامدهای متعددی داشت؛ از یک سو موجب رونق نسبی کشاورزی شد و از سوی دیگر ایران را در برابر نوسانات بازار روسیه آسیب‌پذیر ساخت.

روسیه برای تثبیت جایگاه خود در اقتصاد ایران، علاوه بر تجارت، به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها پرداخت. احداث جاده انزلی-رشت-قزوین-تهران، توسعه شیلات و تأسیس بانک استقراضی نمونه‌هایی از این اقدامات بودند که نفوذ اقتصادی روسیه را در ایران افزایش دادند. بانک استقراضی، به‌عنوان بازوی مالی دولت تزاری، نه تنها به تجار روسی اعتبار می‌داد بلکه با اعطای وام‌های کلان به دولت قاجار، ایران را در مدار وابستگی مالی قرار داد. ماین روند، به تدریج استقلال اقتصادی و سیاسی کشور را محدود کرده از منظر اجتماعی، حضور گسترده ایرانیان در روسیه و مهاجرت‌های فصلی کشاورزان به ایروان و تفلیس، روابط فرهنگی و اجتماعی میان دو ملت را گسترش داد. ماین تعاملات، علاوه بر پیامدهای اقتصادی، زمینه‌ساز تغییرات فکری و سیاسی در ایران شد که نمود آن را می‌توان در نهضت مشروطه مشاهده کرد. بنابراین، بررسی تجارت روسیه در بنادر شمالی ایران در دوره ناصرالدین شاه، نه تنها از منظر اقتصادی بلکه از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی نیز اهمیت دارد.

نوشتار حاضر با تمرکز بر نقش بنادر شمالی ایران در روابط تجاری با روسیه، تلاش دارد ابعاد مختلف این تعاملات را روشن سازد و در صدد پاسخ به این پرسش است که چگونه تجارت دریایی با روسیه، ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران را در نیمه دوم قرن نوزدهم دگرگون ساخت؟

## وضعیت صنعت وارداتی روسیه در دوره ناصرالدین شاه

ناصرالدین شاه در سال (۱۲۲۷-۱۲۷۵ ه. ق / ۱۸۴۸ - ۱۸۹۶ م) به تخت سلطنت جلوس نمود. در نیمه دوم قرن نوزدهم روابط تجاری دو جانبه ایران و روسیه تحت تاثیر متغیرهای دیگری به غیر از متغیرهای سنتی قرار گرفت. چرا که هر دو کشور



سعی در صنعتی شدن داشتند. در کشور ایران این امر در مدت زمان کوتاه صدارت امیرکبیر شروع گردید، که به عنوان مثال می توان به واردات ماشین آلات تولید قند از نیشکر از کشور روسیه نام برد و یا تلاش جهت ترویج تولید و مصرف پارچه های دست بافت وطن اشاره کرد. کارخانه تولید قند خیلی زود به دلیل سوء مدیریت ورشکست شد، و این موضوع خود باعث از بین رفتن کشت نیشکر در مازندران گردید. ناصرالدین شاه پس از مرگ امیر کبیر به صنعتی شدن ایران ادامه داد و اولین کارخانه تولید ریسمان از نخ پنبه در اطراف تهران را با هزینه ای برابر ۳۰۰/۰۰۰ هزار تومان ایجاد نمود و مالک این کارخانه، شخص شاه بود. این کارخانه قادر بود بطور مستقیم سیصد نفر را مشغول به کار کند، اما نتوانست با قدرت به تولید به خاطر کیفیت بد پنبه های تولیدی توسط کشاورزان به کار خود ادامه دهد و حتی قادر نبود به میزان بهره پرداختی بابت هزینه سرمایه گذاری خود نیز سودآوری داشته باشد. کارخانجات کاغذ سازی و تولید شمع نیز که به ترتیب با مبالغ ۱۴۰/۰۰۰ و ۲۳/۰۰۰ هزار تومان احداث شد، نیز سرنوشت بهتری نداشتند و این نتایج مایوس کننده موجب شد تا این دو کارخانه نیز همانند کارخانه قند و ریسمان بافی تعطیل شوند و کارگران روس آن نیز اخراج گردند و کارخانه کاغذ سازی تا سال ۱۸۶۲ میلادی تعطیل و به مخروبه ای مبدل گشت. (لمبتون، ۱۳۸۵: ۲۵۴-۲۵۶)

در دوره ناصری با توجه به شکست های پی در پی ایجاد کارخانجات جهت صنعتی شدن کشور، دولت مجدداً به احداث کارخانجات دیگری همانند کارخانه شیشه سازی با صرف هزینه ای به میزان ۱۴/۰۰۰ هزار تومان و با مدیریت دو فرانسوی اقدام نمود، که این کارخانه نیز موفقیت چندانی نداشته و محکوم به شکست شد و حتی یکی از وزراء دوره ناصری با هزینه ۱۴/۰۰۰ هزار تومانی اقدام به تاسیس کارخانه کارخانه ابریشم می نماید، که این کارخانه نیز حال و روزی بهتری از سایر کارخانجات پیدا نمی کند و تا سال ۱۸۶۴ میلادی ورشکست می گردد. برخلاف گزارش نشریات و تواریخ رسمی تلاش های پادشاه و وزرا برای صنعتی شدن کشور ناکام ماند. در سال ۱۸۶۵ میلادی در ولایات جنوبی دریای مازندران که محل منابع تامین مالی دولت بود، بیماری کرم ابریشم شیوع پیدا نمود و این موضوع باعث کاهش درآمد دولت گردید و تا سال ها دولت و کشاورزان منطقه از این موضوع در عذاب بودند. (ساکما: ۴۸۰۶۸۰-۲۴۰)

در عهد ناصری اصلاحات امور کشاورزی به مراتب از مدرنیزه کردن و توسعه صنعتی بهتر بود، اقلام صادراتی ایران در این دوره از رشد مطلوبی برخوردار بوده و در تجاری شدن حوزه کشاورزی هویدا می باشد. دولت برای حل کسری خزانه سعی کرد تا املاک خالصه را به تجار و ثروتمندان بفروشد، چرا که فروش این املاک بر اساس سیاست خارجی کشور به بیگانگان ممنوع بود. این واگذاری زمین به تجار و صاحبان ثروت موجب گردید، که بزرگ مالکی در کشور به ضرر روستائیان رشد کند، و فشار مالکان جدید باعث افزایش تولید و همچنین افزایش درآمد خالصه از محل مالیات های ارضی برای دولت گردید و در حوزه خالصه جات و کشاورزی از لحاظ نظری باعث ایجاد تحول اقتصادی و اجتماعی در کشور گردد، ولی در ادامه باعث ایجاد توسعه اجتماعی و عدالت اقتصادی نگشت.



### وضعیت تجارت در دوره ناصری با دولت روسیه

روس ها در دوره ناصری تقریباً " و در حدود دو سوم بازارهای شمالی و تا حدی مرکزی و حتی جنوبی کشور را در اختیار خود قرار داده بودند. آنها برای توسعه تجارت خود در کشور ایران اقدام به سرمایه گذاری در بخش های مختلفی همانند راه، تاسیسات بندری و شیلات نمودند. روس ها در یک دوره تاریخی کوتاه مدت اعتقاد داشتند، که علی رغم چهار سده روابط تجاری با کشور ایران، تجارت با کشورهای آسیایی خیلی برای آنها فایده ای ندارد و این اعتقاد و توجه اندک آنها به بازارهای ایران باعث شد، تا کشورهای اروپایی و بویژه انگلیس بازارهای جنوبی کشور را از طریق بنادر خلیج فارس و دریای عمان از محصولات ارزان قیمت خود پر نمایند. به غیر از کشور انگلیس سه کشور آلمان، اتریش و فرانسه نیز از طریق باطومی کالاهای خود را در شمال کشور و از همین طریق و از راه ماوراء قفقاز به باکو و جلفا نیز که امکان ترانزیت آزاد وجود داشت، می رساندند و این بازارها را به تسخیر خود در آورده بودند، هر چند که بنادر جنوبی و بازارهای جنوب در اختیار انگلیسی ها قرار داشت. به دلایل فوق روس ها نه تنها بازارهای جنوب کشور، بلکه بازارهای شمال ایران را نیز از دست دادند. این مسئله باعث گردید که روس ها در سال (۱۸۸۳ م) اجازه ترانزیت آزاد کالاها را لغو نموده و این موضوع باعث گردید، که قیمت کالاهای سایر کشورها در ایران گران تمام شود و از این تاریخ به بعد مجدداً " تجارت بین دو کشور جان تازه ای پیدا نمود و گسترش یافت و همانند سال های (۱۷۵۸ م) که بین دو کشور یک روابط تجاری منظمی برقرار بود، شد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۲۰-۲۲۱). با توجه به نوع پوشش گیاهی مناطق شمالی کشور محصولات همانند برنج، پنبه، ابریشم و چای تولید و به بازارهای روسیه که مشتریان قابل توجهی داشت از طریق بنادر شمالی صادر می گردید. (ساکما: ۷۷۴۳۵-۲۴۰) و اهمیت این بازارها برای مناطق شمالی کشور ایران به اندازه ای بود که افزایش تقاضا برای این محصولات در سال ۱۸۹۰ و افزایش قیمت آن در روسیه سبب افزایش قیمت این محصولات در کشور ایران گردید. (شایگان، ۱۳۳۵: ۲۴).

در سال (۱۸۶۹ م ۱۲۲۸ ش) کانال سوئز با طولی به میزان ۱۹۲ کیلومتر که دریاهاى مدیترانه و سرخ را به یکدیگر وصل می نماید، در غرب صحراى سینا در کشور مصر به بهره بردارى رسید. بهره بردارى از این کانال موجب شده تا ایران نیز بتوان به تجارت بین المللی متصل گردد. این موضوع باعث شد تا حجم عظیمی از کالاها ارزان قیمت وارد کشور گردد و از طرف دیگر باعث رشد مناسبات سرمایه داری در ایران شود. این موضوع باعث گردید که کشاورزان ایران نیز جهتگیری کشت خود را به سمت بازارهای جهانی و بعبارتی تجاری سوق دهند، به عبارت دیگر طی ۳۰ سال (۱۸۹۹ - ۱۸۶۹؛ ۱۲۷۸ - ۱۲۴۸ ش) محصولات پولی جای خود را به کشت سنتی داد.

این تجاری سازی تولید باعث شد که روسیه سعی کند تا محصولاتی در مناطق شمالی کشور ایران تولید و صادر گردد، که بتواند مواد اولیه صنایع خود را که در حال توسعه و رشد بودند تامین نماید. به همین منظور روسیه تزاری که با ایجاد راه و راه آهن



در این کشور مخالفت می نمود، خود نسبت به ایجاد جاده انزلی- رشت- قزوین- تهران اقدام نمود و این جاده را ظرف مدت پنج سال احداث کرد (۱۸۹۵ الی ۱۹۰۰ برابر ۱۲۷۳ ش الی ۱۲۷۸). (آبادیان ۱۴۰۲: ۶۳۰-۶۳۱)

از بین محصولات حوزه صادرات ایران به روسیه در این دوره ابریشم از جایگاه ویژه ای برخوردار بود و بین ۳۱ الی ۳۸ درصد کل صادرات ایران به روسیه را تشکیل می داد، ولی با شیوع بیماری کرم ابریشم و کاهش شدید محصول ابریشم، صادرات تریاک از جایگاه ویژه ای برخوردار گشت. (فوران، ۱۳۷۷: ۱۸۵) تولید ابریشم در سال (۱۲۸۹ ق) برابر با ۲۸۶۶۰۰ کیلوگرم بود و تا سال (۱۲۸۹ ق) به ۶۴۴۷۰۰ کیلو گرم افزایش پیدا نمود. ولی میزان تولید آن تا سال (۱۳۰۷ ق) مجدداً کاهش پیدا نمود. (غیاث دیگران، ۱۴۰۱: ۹). در سال (۱۸۶۵ م / ۱۲۸۲ ق) میزان ابریشم تولیدی ۲۲۰ تن بود، ولی دوازده سال بعد یعنی در سال (۱۸۸۷ م / ۱۳۰۵ ق) این میزان، ۱۵۲ تن کم شد، ولی دوباره در سال (۱۸۹۰ م / ۱۳۰۸ ق) به ۲۱۰ تن افزایش یافت و سرانجام در اوایل سده بیستم یعنی سال (۱۹۰۰ م / ۱۳۱۸ ق) تولید ابریشم به ۴۵۰ تن افزایش یافت. (پناهی، ۱۳۹۹: ۸-۹) برنج نیز از جایگاه ویژه ای برای صادرات به روسیه برخوردار بود و اهمیت تولید آن بویژه بعد از تهاجم کرم ابریشم شدت گرفت و در سال های پایانی دوره ناصری از اهمیت ویژه ای برای صادرات برخوردار گشت و به سرعت از جایگاه مطلوبی برای کشت در مناطق شمالی برخوردار شد.

در حوزه صنعت نیز تا قبل از سال ۱۲۶۰ صنایع دستی تامین کننده نیاز داخلی کشور بود، اولین کارخانه ابریشم تابی گیلان توسط امین الضرب وارد و توسط مهندسان فرانسوی در سال ۱۸۸۵ در شهر رشت نصب و راه اندازی گردید. (اقتصاد ایران، ۱۳۷۱: ۲۹۱-۲۹۰)

سده نوزدهم با حضور فزاینده ایرانیان در خاک روسیه همراه بود و این موضوع باعث تعمیق روابط تجاری شده بود. ک. ای. آبوت سر کنسول بریتانیا وقت در تبریز بر اساس اسناد موجود بیان می نماید، که کشاورزان سلماس و سایر نقاط آذربایجان بصورت فصلی برای انجام کارهای کشاورزی به ایروان و تغلیس مهاجرت می نمودند. وی بیان نموده که در طول دو ماه کنسولگری روسیه ۳/۰۰۰ روادید برای ایرانیان صادر کرده است. بر اساس اطلاعات موجود در سال ۱۸۶۸ میلادی حجم روبلی صادرات روسیه به کشور ایران ۱/۴۳۳/۱۳۰ و میزان صادرات ایران به روسیه ۳/۹۴۱/۷۱۸ روبل بود، که البته نسبت به سال گذشته در حدود ۶/۵۰۰/۰۰۰ روبل کاهش را نشان می دهد. در همین سال تعداد اتباع ایرانی مستقر در روسیه به عدد ۳۷/۹۸۵ نفر رسیده که نشان دهنده عدد بزرگی می باشد و در مقابل تعداد اتباع روسی مستقر دائم در ایران در سال ۱۸۷۱ میلادی تنها به ۴۸۳ نفر که عمدتاً در شهر تبریز ساکن بودند، می رسید. (کاظم بیکی، ۱۳۹۸: ۲۵۶-۲۶۵) در همین زمان تعدادی روس به میزان ۵/۰۰۰ نفر در ایران بصورت مهاجر نیز اقامت داشتند و این سهل بودن رفت و آمد بین دو کشور در ضمیمه عهدنامه ترکمانچای در نظر گرفته شده بود. وجود تعداد زیادی از ایرانیان در کشور روسیه علاوه بر نتایج اقتصادی، تبعات فرهنگی، سیاسی- اجتماعی نیز برای ایران به همراه داشت که نمود آنرا می توان در نهضت مشروطیت ملاحظه نمود. روابط تجاری بین دو ملت بحدی در این دوره در مناطق



شمال کشور گسترش یافت که این روابط تابع تصمیمات بین دو دولت و حتی عهدنامه ترکمانچای که تغییر یک طرفه تعرفه گمرکی را خلاف می دانست نیز نبود. (کاظم بیکی، ۱۳۹۸: ۲۶۸)

به عبارت دیگر میزان کالاهای صادراتی روسیه در سال ۱۸۷۶ به ایران سرعت زیادی پیدا نمود و تنها به استثنای سال های (۱۸۸۳-۱۸۸۵) که هم در ابعاد تجاری و هم سیاسی که با کالاهای بریتانیای برابر بودند، ولی از این تاریخ به بعد سهم کالاهای روسی در کشور بیشتر شد. این توازن تجاری باز با کم شدن سهم کالاهای فرانسوی و آلمانی در کشور شدت پیدا نمود. دولت روسیه برای اینکه بتواند رقبا را از بازار ایران خارج نماید، به تاجر خود سوبسید پرداخت می نمود (انتتر، ۱۳۶۹: ۱۱۲-۱۱۳) بنابراین همان گونه که بیان شد در سال (۱۹۱۰-۱۹۱۴ میلادی / ۱۲۸۹-۱۲۹۳ ش) کسری تراز تجاری ایران افزایش یافت و این نشان از سلطه ی بی اندازه روسیه در اقتصاد ایران در ابتدای جنگ اول جهانی بود و ایران بعنوان بخشی از اقتصاد روسیه بحساب می آمد. (سید و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹۰) عمده محصول صادراتی روسیه به ایران در طی این سال ها قند و شکر بود و بویژه زمانی که در کنوانسیون شکر در بروکسل میزان صادرات شکر روسیه به بریتانیا و ایتالیا کاهش پیدا نمود، برای روس ها بازار ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار گشت. (ساکما: ۲۱۹۵-۲۴۰) ولی با امضای مجدد کنوانسیون شکر مجدداً صادرات روسیه به کشورهای اروپایی افزایش پیدا نمود و از اهمیت بازار ایران کاسته شد. از سال (۱۹۰۰ م) روسیه بین ۷۷ تا ۸۲ درصد بازار شکر ایران را از دست داد. (انتتر، ۱۳۶۹: ۱۱۵-۱۱۴)

نوع تجارت روسیه در این دوره به نحوی شده بود که کم روس ها در همه حوزه ها بویژه در بخش کشاورزی، صیادی و پیشه وری نسبت به مردم مناطق شمالی دارای مزیت نسبی شده بودند. حتی نوع کشت محصول را نیز آنها برای کشاورزان مشخص می نمودند. بعنوان مثال برای کارخانجات خود بذر پنبه آمریکایی را بین پنبه کاران بندر گز، استرآباد توزیع نمودند و حتی روستائیان این مناطق را تشویق کردند تا اسب های خود را فروخته و به پنبه کاری مشغول گردند. بنابراین تنها در مناطق شمالی کشور ایران گاهی انگلیسی ها قادر بودن با کالاهای روسی در این مناطق بخاطر کیفیت بالایشان رقابت نمایند، ولی هزینه ترانزیت و غیره باز باعث کاهش رقابت محصولات این کشور می گشت. (ساکما: ۸۰۴۱-۲۹۵) و (ساکما: ۲۲۷۸-۲۴۰) این فضای اقتصادی که روس ها در شمال ایران ایجاد نموده بودند، باعث شد که آنها کم کم بجای مطالبات خود درخواست زمین های بیشتر بخاطر مرغوبیت این زمین ها نمایند. بعنوان مثال ایوانوفسکی، کنسول دولت روسیه، در نامه ای خطاب به منجم باشی، حاکم گیلان، تهاتر یک زمین را از یکی بدهکاران گیلانی می پذیرد و آن را جز اموال سفارت روسیه اعلام می کند. (سند شماره ۲۹۶ / ۱۶۳۴۵، نامه ایوانوفسکی به منجم باشی، بیتا) (آبادیان، ۱۴۰۲: ۶۳۱-۶۳۰) این وابستگی تجاری به حدی رسیده بود که امکان تمایز بین تاجر روسی و ایرانی از نیمه دوران قاجار تقریباً مشکل بود. چرا که هم در حوزه امنیت مالی و هم در حوزه امنیت نظامی این مناطق توسط روس ها کنترل می گشت و تاجر حکام گیلان همواره از نبود امنیت گلایه داشتند. (ساکما: ۷۲۳۱-۲۹۵).



با صنعتی شدن کشورهای اروپای و نیاز به بازارهای جدید برای محصولات این کشورها، کشور ایران که تا مدتی قبل تنها بخاطر موقعیت سوق الجیشی برای دو کشور روسیه و انگلستان دارای اهمیت بود، به یکباره بخاطر بازارهای بکر و دست نخورده، دارای ویژگی منحصر بفردی گشت و بخاطر مناسبات تجاری با این کشورها و در حلقه نظام اقتصادی جهانی قرار گرفت. در سال ۱۲۶۹ ه.ق روسیه برای جلوگیری از ورود کالاهای انگلیسی به شمال کشور پیمانی با ناصرالدین شاه بست که هیچ خط آهنی نباید در ایران ساخته شود و این پیمان سبب شد، که تا مورخ (۱۹۲۰م / ۱۳۰۰ ش) هیچ راه آهنی در کشور ایجاد نگردد. روسیه علاوه بر موارد فوق امتیازات مهمی در حوزه شیلات، احداث جاده و راه، تلگراف از ناصرالدین شاه دریافت نمود. با وجود آمدن شرایط جدید اقتصادی در جهان و نیاز کشورهای صنعتی به بازار ایران، این روابط تجاری بود که بر تسخیر سرزمینی ارجحیت پیدا نمود. در این دوره روسیه از طریق ایجاد بانک استقراضی خود در ایران توانسته بود سرمایه این بانک در ایران را به عدد ۱۶۴/۰۰۰/۰۰۰ روبل برساند و کنترل ۱۲۷/۰۰۰/۰۰۰ روبل را مستقیماً در اختیار داشته باشد، که این عدد از کل سرمایه انگلیس در ایران بمراتب بیشتر بود. (حسنی، ۱۳۸۸، ۱۳۹).

#### بانک استقراضی روس (۱۳۰۷ ق / ۱۸۹۰ م)

شاه ایران به دلیل نارضایتی مردم ایران و دولت روسیه برای واگذاری امتیازات زیاد به شرکت های انگلیسی در دادن امتیاز تنباکو و بهره برداری از آن، امتیاز تاسیس راه آهن و بویژه امتیاز تاسیس بانک استقراضی (۱۲۷۰ش/۱۸۹۱ م) را به دولت روسیه واگذار نمود. (ساکما: ۸۸۴-۳۱۰) این بانک عملاً شعبه ای از وزارت مالیه روسیه در ایران بود و برای نفوذ در کشور ایران از آن استفاده می شد و به سود و زیان خود در دادن وام به تعدادی شاهزادگان، روحانیان با نفوذ و برخی از بازرگانان توجه نمی کرد (ملک زاده، ۱۳۲۸، ج ۱، ۱۶۴) با توجه به وضعیت مالی کشور ایران در سال (۱۳۰۷ ق / ۱۸۹۰ م) دولت مردان ایران از کشور روسیه درخواست وام نمودند و دولت روسیه به فکر ایجاد یک بانک توسط ژاک پولیاکف افتاد، بنابراین در سال فوق الذکر امتیاز تاسیس این بانک در ایران با امضای امین السلطان و قوام الدوله وزیر وقت امور خارجه امضاء و به رسمیت درآمد. مدت این قرار داد هفتاد و پنج سال بود و در ماده هشت این قرارداد امتیازاتی همانند معاف بودن از پرداخت مالیات، معاف بودن تمامی دارایی ها و سرمایه و عایدات آن از حقوق و عوارض گمرکی می توان اشاره نمود. به بانک اجازه داده شده بود، تا به امور بازرگانی و خرید فروش سهام و امور صرافی نیز بپردازد. بانک جهت نفوذ بیشتر در خاندان سلطنتی و وزرا و تجار بزرگ به آنها وام های بدون دریافت وثیقه ارائه می داد. این بانک جهت توسعه خود و انجام امور بازرگانی و صادرات کالاهای ایرانی به روسیه از طریق دریای مازندران در شهرهای همانند استرآباد، بندر گز، بارفروش (بابلسر)، رشت، انزلی شعباتی را ایجاد نمود. این بانک در جهت نفوذ هر چه بیشتر دولت تزاری در ایران اولاً به حمایت از تجار روسی که در ایران و بویژه در بازارهای شمالی کشور به تجارت مشغول بودند، می پرداخت. بعنوان مثال پشتیبان شرکت های روسی بودند که در طرح جاده سازی در مناطق شمالی فعال بودند. (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۹۸)



این بانک در شهرهای شمال ایران به زارعان و مالکان زمین هم برای خرید محصولات آنها همانند ابریشم، خشکبار، فرش، پنبه، پشم، و سایر مواد خام و مورد نیاز کشور روسیه گشایش اعتبار می نمود. (انتتر، ۱۳۶۹: ۸۵). با استقراض بیشتر دولتمردان از این بانک و عدم پرداخت مقادیر قرض شده، تاسیس این بانک باعث گردید، که کشور ایران به مقدار زیادی از آزادی های اقتصادی و به موازات آن آزادی های سیاسی خود را از دست بدهد و یکی از اهرم های اصلی نفوذ روسیه در دوران مظفرالدین شاه بود. (پسندیده، ۱۴۰۲: ۱۴۲). این بانک برای دادن وام املاک زیادی را به رهن گرفت و وام های بزرگی را به دولت قاجار داد. دولت روسیه در سال (۱۸۹۵م/۱۲۷۴ ش) از لحاظ تجاری با کشور ایران از دولت انگلیس پیشی گرفت و در دهه های بعد این عدد بسیار بیشتر بود. (کاظم بیکی، ۱۳۹۸: ۲۴۶-۳۴۷)

در این سال ها بازرگانان روسیه در حوزه تجارت ابریشم فعالیت نداشتند و بیشتر تجارت ابریشم توسط بازرگانان ایرانی انجام می شد، شعبه بانک استقراضی در گیلان در حوزه تجارت گسترده ابریشم ورود پیدا کرد و امکانات گسترده ای در زمینه تولید و تجارت ابریشم بکار بست. بر اساس اظهار نظر اولفریف کنسول روسیه در رشت در کشور متبوع وی به دلیل عدم وجود و یا کم کاری کارگاه های ابریشم ریزی، این کارگاه ها توفیق چندانی نداشتند و از طرف دیگر بانک استقراضی علاقه ای به واگذاری صنعت ابریشم و نوغان داری به دیگر گروه های خارجی حاضر در منطقه نبود، بنابراین در این حوزه بعنوان واسطه سلف خری عمل می نمود و با دادن وام به نوغان داران، پبله ها را پیش خرید نموده و سپس بجای اینکه پبله ها را در روسیه بفروشد، آنها را به شهر ماری فرانسه ارسال می کرد. این عمل تجاری برای بانک استقراضی دارای نتایج مطلوبی بود، چرا که علاوه بر دریافت سود از محل فروش کالا از بابت معاوضه پول ایران با پول فرانسه نیز دارای عایدی می شد. بانک استقراضی به کشاورزان ابریشم کار پول را بصورت قران نقره پرداخت می نمود، ولی در عوض از بابت فروش پنبه ها فرانک فرانسه دریافت می کرد. بانک در این تجارت دارای دو بازده بود یکی سود واسطه گری از بابت فروش پنبه و دیگری سود حاصل از تبدیل قران به فرانک. خرید محصولات کشاورزان به این صورت موجب رضایت کشاورزان منطقه و نارضایتی سایر تجار خارجی را در پی داشت و باعث عدم بهره کشی از کشاورزان تولید کننده می گشت. بانک از مردم محصولاتی از قبیل برنج، ابریشم، خشکبار و غیره را پیش خرید می نمود و پس از تحویل گرفتن محصولات نسبت به تسویه وام های پرداختی اقدام می کرد و در صدی هم بعنوان کارمزد و یا حق العمل دریافت می نمود. این عملیات تجاری بانک استقراضی در سال (۱۹۰۴ م) باعث گردید تا بعنوان یک نهاد کنترل گر در عملیات تجاری منطقه شناخته شود و مردمان منطقه را نیز با نحوه کارکردهای تجاری آشنا نماید. (کاظم بیکی، ۱۳۹۸: ۲۴۶-۳۴۷). هر چند دلیل روس ها از ایجاد این موسسات مالی پیشبرد اهداف مالی و اقتصادی دولت روسیه تزاری بود، ولی هزینه نمودن این موسسات مالی در حوزه زیر ساخت های همانند جاده، تلگراف و راه آهن سبب رونق بازارهای محلی گشته و اثرات اقتصادی و اجتماعی مثبتی ببار می آورد. (حسن نژاد، ۱۳۹۸: ۴۱-۴۲)



از کارکردهای دیگر این بانک اخراج تاجران یونانی و فرانسوی از بازار ابریشم ایران با سرمایه گذاری ویژه در صنعت ابریشم بود. (انتز، ۱۳۶۹: ۸۵) یکی از معروفترین کمپانی های ارمنی- روسی که توسط این بانک حمایت می شد و بر بخش وسیعی از نوار ساحلی جنوب دریای مازندران بین سال های (۱۳۲۵ - ۱۳۲۹ ق / ۱۹۰۷ - ۱۹۱۱ م) مسلط گشت و تجارت ابریشم این خطه را نیز در انحصار خود قرار داد کمپانی *تومانیا* بود. (پناهی، ۱۳۹۹: ۱۲).

### رقابت بانک استقراضی روسیه با بانک شاهنشاهی

امور بانک استقراضی تنها به رقابت با بانک شاهنشاهی خاتمه پیدا نمی کرد و از آنجائیکه این بانک مستقیماً با وزارت دارایی روسیه در ارتباط بود، برای به عقب راندن بانک شاهنشاهی وام های با نرخ های بسیار پائین اعطا می کرد. چراکه بانک شاهنشاهی یک بانک سهامی بوده و می بایست سود سهامداران را حفظ می کرد و حتی افزایش می داد، پس بنابراین حاضر نبود با نرخ های کم تامین مالی نماید. بانک استقراضی پس از افتتاح شعب خود تقریباً در اکثر شهرهای تجاری شمال کشور به فعالیت در بیشتر امور اقتصادی و تجاری پرداخت. با توجه به فعالیت این بانک در بیشتر حوزه های اقتصادی، بیشترین توجه خود را به اعطای وام در ازای اخذ وثایق کرد. این بانک تا سال (۱۳۲۲ ه.ق) قسمت زیادی از سرمایه اولیه خود که به ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ روبل می رسید را صرف پرداخت وام به مقامات و افراد با نفوذ نموده بود و تنها ۳/۰۰۰/۰۰۰ روبل در صندوق بانک وجود داشت.

این بانک در امور کشاورزی بصورت زمین داری، اعطای وام به نوغان داران، شالی کارها، خرید و فروش تولیدات کشاورزی، دادن خدمات به تجار روسی و سایر افراد مشارکت کرده و علاوه بر موارد ذکر شده در اموری همانند ترخیص کالا از گمرک و سایر موارد نیز دستی بر آستین داشت و ماموران بانک چنان در حوزه امور گمرکی صاحب نظر بودند، که گویی پذیرش این مسئولیت از سوی بانک تفاوت ضوابط در گمرک خانه ها را به دنبال داشت. به عنوان مثال می توان به نحوه کارگزاری ماموران بانک استقراضی در گمرک جلفا در سال (۱۳۲۳ ه.ق) اشاره نمود. (کاظم بیگی، ۳۴۸-۳۴۹)

بانک استقراضی به عنوان بازوی دولت روسیه در ایران و عامل نفوذ روسیه در ایران بود و از بابت دادن وام های کلان به دولت قاجار توانسته بود در ایران املاک زیادی را به رهن بگیرد. (فوران، ۱۳۷۷: ۱۷۶-۱۷۵).

این بانک برای اینکه از نفوذ بانک شاهنشاهی در بین بزرگان و رعایا در شمال کشور بکاهد، در دو شهر انزلی و رشت شعباتی را ایجاد و سعی نمود که بزرگان و تاجران را شناسایی و با ایجاد ارتباط، آنها را به ایجاد حساب در بانک و دادن وام به آنها، ترغیب نماید و از این طریق با آنها وارد معامله می شد و مجبورشان می نمود، تا محصولات خود را به بانک و یا افرادی که بانک معرفی می کرد بفروشند. (کریمی گیلاهی، ۱۳۹۹: ۲۹۷)

بانک استقراضی توانست با اجرای استراتژی های مطلوب و تامین مالی مناسب در صنعت نوغان داری و تولید ابریشم، انقلابی بر پا نماید و باعث از بین رفتن واسطه های فرانسوی و یونانی از منطقه گردد و جای آنها را با دلان روسی و ارمنه پر نمودند. بنابراین می توان فعالیت های بانک استقراضی را در چهار قسمت بصورت زیر خلاصه نمود.



- ۱- اعطای وام به درباریان و اشراف برای تحکیم نفوذ سیاسی روسیه در ایران.
- ۲- عملیات بانکی و تجاری برای ترویج کالای روسی در ایران و صدور مواد کشاورزی از ایران به روسیه.
- ۳- فعالیت های مربوط به حمل و نقل و اجرای امتیاز شوسه کردن راه های ایالات شمال.
- ۴- تنظیم روابط مالی مربوط به پرداخت و بازپرداخت وام دولت روسیه و ایران. (کریمی گیلایه، ۲۹۷: ۱۳۹۹)

### بررسی ارزش وزنی و ریالی حجم واردات و صادرات ایران و روسیه در دوره ناصری

روسیه توانست با گرفتن امتیازات از ناصرالدین شاه بر اقتصاد ایران تسلط نسبی پیدا کند و این موضوع باعث گردید، تا تولید و خرید ابریشم و پارچه، پنبه، تریاک و خشکبار جهت صادرات سیر صعودی بگیرد. در بین سال های ۱۸۹۰ الی ۱۹۰۰ حجم تجارت روسیه با ایران دو برابر شد و بین سال های ۱۹۰۰ الی ۱۹۱۰ به سه برابر نیز رسید. در این سال ها کل حجم تجارت خارجی ایران ۲/۵ میلیون قران دارای تراز منفی بود، به عبارتی میزان واردات بیشتر از میزان صادرات بود. از سال ۱۸۹۰ الی ۱۹۱۳ حجم صادرات کالاهای روسی به ایران از مجموع کل صادرات روسیه در حدود ۲/۱ تا ۳/۸ در صد بود و حجم کالاهای وارداتی روسیه از ایران در حدود ۳ الی ۴ درصد بود. از لحاظ رتبه بندی در حوزه جایگاه ایران در تجارت خارجی روسیه در رده هشتم و دهم قرار داشت.

روس ها برای اینکه بتوانند بازار ایران را در اختیار خود قرار دهند به بازرگانان خود کمک مالی می نمودند و بعنوان مثال در سال ( ۱۹۰۰ م ) برای هر پود صادرات پارچه در حدود ۴/۲ روبل به بازرگانان خود جایزه صادراتی اختصاص می دادند و در همین سال مبلغ ۵۳۰/۸۲۹ روبل دولت به بازرگانان خود پرداخت نمود که تقریباً ده درصد ارزش کل کالاهای صادراتی شان به کشور ایران بود. این میزان جایزه صادراتی در سال ۱۹۰۹ و برای مبارزه با بازرگان بریتانیا و هند به میزان یک روبل در هر پود افزایش پیدا نمود و دولت روسیه با این کار توانست ۵۱ درصد بازار ایران را در حوزه صادرات پارچه بدست آورد. (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۱۶-۱۱۵)

با ورود کالاهای غربی به کشور و تمایل مردم به خرید از این کالاهای، صنایع دستی ایران کم کم ورشکست شدند، چرا که دهقانان، پیشه وران شهری و ایالات به تدریج کار و درآمد خود را از دست دادند. این موضوع باعث گردید، که کشور ایران نتواند صنایع تولیدی خود را با سرمایه گذاری توسعه دهد. عدم توسعه صنایع باعث کاهش بکارگیری نهادهای تولید و عدم رشد اقتصادی را به همراه داشت. اگر صنایع در کشور توسعه پیدا نکند، آن کشور برای تامین منابع مالی خود ناچار به استخراج و صدور مواد خام خواهد بود، که این موضوع در دوره ناصری اتفاق افتاد. حجم صادرات مواد خام در پایان قرن نوزدهم پنج برابر بیشتر از میزان واردات کالاهای ساخته شده بود. (عیسوی ۱۳۶۲: ۸۵) جداول ذیل نشان دهنده ترکیب و میزان صادرات و واردات بین دو کشور بین سال های ( ۱۸۵۰ م تا ۱۹۱۱ م ) می باشد. در بین سال های ( ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۰ ) و از سال ( ۱۸۸۰ تا سال ۱۹۱۲ و ۱۳ ). عمده واردات ایران پارچه های پنبه ای بود، که بین دو سال اول افزایش و بعد از آن کاهش را نشان می دهد و یا پارچه های پشمی



و ابریشمی روند نزولی دارد. شکر از میان حجم عمده واردات ایران افزایشی می باشد. در بین سایر کالاها، این محصول چای است که ابتدا کاهش و سپس روند رشد را نشان می دهد. اما اگر به جدول صادرات کشور در همین دوره نگاهی بیندازیم، می بینیم که عمده صادرات ایران بدلیل صنعتی نشدن کشور، مواد خام می باشد که ابریشم و تولیدات آن و همچنین منسوجات پنبه ای و ابریشمی به شدت روند کاهش را نشان میدهند، ولی صادرات پنبه خام افزایش و تریاک بین سال های ( ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۰ ) ابتدا افزایش و سپس کاهش را نشان می دهد. میزان صادرات فرش دارای روند افزایشی می باشد. عیسوی دلیل این همه تغییرات در میزان صادرات و واردات قبل و بعد از مشروطه را نتیجه به هم ریختگی اجتماعی و تغییر در ارتباطات خارجی میداند. (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۰۶).

جدول شماره (۱): ترکیب تجارت - واردات عمده ایران (درصد کل)

اقلام	۱۸۵۰	۱۸۸۰	۱۹۱۲-۱۳
پارچه های پنبه ای	۴۳	۴۸	۳۰
پارچه های پشمی و ابریشمی	۲۳	۱۵	۵
چای	۹	۲	۶
شکر	۲	۸	۲۴
اجناس فلزی	۲	۲	۲
حبوبات	۰	۰	۴
مواد نفتی	۰	۱	۲

جدول شماره (۲): صادرات عمده ایران (درصد کل)

اقلام	۱۸۵۰	۱۸۸۰	۱۹۱۱-۱۳
ابریشم و تولیدات آن	۳۸	۱۸	۵
منسوجات پنبه ای و ابریشمی	۲۳	۱	۱
حبوبات	۱۰	۱۶	۱۲
میوه جات	۴	۶	۱۳
تنباکو	۴	۵	۱
پنبه خام	۱	۷	۱۹
تریاک	۰	۲۶	۷
فرش	۰	۴	۱۲

در ارتباط با میزان ارزش پولی کالاها و خدماتی که بین ایران و روسیه در حوزه واردات و صادرات از سال ( ۱۸۶۰ م ) به بعد، که بصورت مکتوب و در اسناد تجاری ( عایدات رسمی حقوق گمرکی ) قید شده است، می توان به صورت زیر مواردی را



بیان نمود. حجم پولی صادرات روسیه به کشور ایران در سال ( ۱۸۶۰ م ) ۱/۶ میلیون روبل بوده و تا سال ( ۱۸۶۶ م ) به رقمی برابر با ۱/۸ میلیون روبل سکه طلا یعنی در حدود ۵۷ درصد رشد، را در طی چهار سال به ما نشان می دهد.

میزان صادرات روسیه طی سه سال ( ۱۸۷۷ م تا ۱۸۸۰ م ) به حدود ۲/۷ میلیون روبل رسید. بعبارتی در این دوره سه ساله ۷۲ درصد رشد را نمایان می کند. همچنین ارزش پولی کالاهای روسی وارده به ایران که عمدتاً از طریق دریای مازندران انجام می شد، تنها در سال ( ۱۸۸۱ م ) به رقمی بالای ۳/۸ میلیون روبل رسید، که رشدی به میزان ۱۶۰ درصد در صادرات روسیه به کشور ایران را نشان می دهد. در نتیجه می توان از اعداد فوق به این نتیجه رسید که برای سال های زیادی این کشور روسیه بوده که علاوه بر بازارهای مناطق شمالی کشور بر سایر بازارها ایران نیز تسلط داشته و بر اساس ارقام و اعداد در حدود دو سوم این بازارها را در اختیار خود گرفته بود. اگر به میزان صادرات سایر کشورهای اروپایی به کشور ایران نگاه کنیم، می بینیم که از سال ( ۱۸۷۹ م ) بجز در ایام جنگ هیچ گاه در حد و اندازه صادرات روسیه به ایران نبوده است. ( عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۲۲). در یک دوره سی ساله ( ۱۸۸۰ الی ۱۹۰۹ م ) ارزش صادرات روسیه به ایران هفت برابر گشت و از عدد ۳/۸۰۰/۰۰۰ روبل به عدد ۲۹/۰۰۰/۰۰۰ روبل رسید. بین سال های ۱۸۹۵ ال ۱۹۰۹ بازار ایران از اهمیت خاصی برای روس ها برخوردار گشت و بیشترین حجم صادرات در این دوره پانزده سال برای آن کشور محقق شد.

در یک دوره هفتاد ساله میزان صادرات ایران به روسیه همیشه به نفع ایران بوده و بعبارتی کشور ایران دارای یک تراز تجاری مثبت می باشد. میزان صادرات کشور ایران به کشور روسیه در دهه ۱۸۳۰ را بیشتر مواد خام، کالاهای ساخته شده و سپس مواد غذایی تشکیل می داد. اما از آنجائیکه بحث میزان صادرات و واردات در این قسمت در دوره ناصری می باشد، بنابراین تمرکز خود را به سال های بین ۱۸۴۸ الی ۱۸۹۶ معطوف می کنیم. میزان صادرات ایران در بین سال های ۱۸۴۵ الی ۱۸۴۹ بیش از پنج برابر صادرات روسیه به ایران می باشد. این روند تا سال ۱۸۷۰ تقریباً با مقدار تغییرات اندک حفظ شده است، ولی از سال ۱۸۷۰ تا سال ۱۸۸۰ موازنه تجارت خارجی کم کم به سمت روسیه در حال تغییر است، ولی هنوز تجارت خارجی ایران مثبت و دارای یک اختلاف ۵۰ درصدی می باشد، ولی بین سال های ( ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۵ ) موازنه تجارت خارجی بشدت در حال کاهش به ضرر ایران و به نفع روسیه در حال تغییر می باشد. در این دوره پنجاه ساله ناصری میزان صادرات روسیه به ایران در حدود هفده برابر رشد نمود، ولی صادرات ایران به روسیه تنها دو هفت دهم برابر رشد را نشان می دهد. همانطور که ملاحظه می کنیم در این دوره پنجاه ساله ناصری تراز پرداخت ها با کشور روسیه به ضرر ایران بوده، هر چند این عدد هنوز مثبت است ( عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۲۱). جدول شماره (۳) نشان دهنده حجم مبادلات خارجی دو کشور ایران و روس بین سال های ( ۱۸۳۰ - ۱۹۱۴ م ) می باشد.

جدول شماره (۳)، ارقام به میلیون روبل طلا، ارقام میانگین چهار سال

سال میلادی	از ایران	به ایران	ارزش کل
۱۸۳۴ - ۱۸۳۰	۳/۸	۲/۶	۶/۴
۱۸۳۹ - ۱۸۳۵	۳/۶	۱/۳	۴/۹



۵/۹	۱/۲	۴/۷	۱۸۴۴ - ۱۸۴۰
۶/۲	۰/۹	۵/۳	۱۸۴۹ - ۱۸۴۵
۶/۳	۱/۲	۵	۱۸۵۴ - ۱۸۵۰
۷/۲	۱/۴	۵/۷	۱۸۵۹ - ۱۸۵۵
۷/۶	۱/۶	۶	۱۸۶۴ - ۱۸۶۰
۷/۶	۱/۸	۵/۸	۱۸۶۹ - ۱۸۶۵
۷/۸	۲/۱	۵/۶	۱۸۷۴ - ۱۸۷۰
۹	۲/۷	۶/۳	۱۸۷۹ - ۱۸۷۵
۱۱/۳	۳/۸	۷/۵	۱۸۸۴ - ۱۸۸۰

منبع: چارلز عیسوی، ۱۳۶۲ منقول از مارتین انتنر، ص ۸-۹.

وابستگی ایران به بیگانگان منحصر به بعد سیاسی نمی شد، بلکه از نظر تجاری نیز ایران تحت کنترل آنها قرار داشت و در این زمینه صحبتی از جکسون به میان می آورد که بیان می کند، بخش مهم تجارت ایران در حدود پنجاه درصد در دست روس ها بود و مقام دوم را انگلیسی ها بیست و پنج درصد بخود اختصاص دادند و بقیه را سایر کشورها منجمله آمریکا در اختیار داشتند. (موسایی ۱۳۹۰: ۱۸) در دوران ناصری و یا دوران قبل از آن تراز تجاری ایران مثبت بوده و بعبارتی میزان صادرات ایران به آن کشور بیشتر از میزان واردات از آن کشور بوده و در نتیجه این مبادله، باید کشور روسیه در این مدت زمان فقیرتر می شد و تحت امر کشور ایران قرار می گرفت، ولی نتیجه برعکس شد. بنابراین دیدگاه موازنه تجارت خارجی نمی تواند دلیلی برای تحت نفوذ قرار گرفتن باشد، بنابراین باید این نفوذ روسیه را در عوامل دیگری جستجو نمود.

در این دوره بیشتر محصولات صادراتی روسیه به کشور ایران را کالاهای صنعتی همانند پارچه، الوار، چرم دباغی شده، قند روسی، چای، ظروف آشپزخانه، سماور، چینی و انواع فلزات همچون میله های آهنی، ورقه های مس و نیز عینک، لوازم تحریر، کارد و چنگال را شامل می شد و صادرات ایران به روسیه مواد اولیه و تولیدات کشاورزی بود که در مناطق شمالی تولید می گشت. حجم عمده این میزان صادرات و واردات از طریق بندر شمالی کشور وارد و یا صادر می گشت و در نتیجه این مراودات، بازارهای شمالی کشور و همچنین استان های نزدیک به این مناطق به بازار کالاهای روسی مبدل شدند. (غیائی، ۱۴۰۱: ۷)

روس ها برای اینکه این موازنه تجارت مثبت را بهم بزنند در پی قشون کشی به ایران برآمدند، تا بتوانند مواد غذایی و سایر اقلام مورد نیاز برای مردمان و صنایع خود را بدون وابستگی به سایر کشور و تنها با ضمیمه نمودن خاک ایران به خود بدست بیاورند.

### اثرات روابط متقابل دو اقتصاد روسیه و ایران بر یکدیگر در دوره ناصری

(۱) آبراهام والتاین ویلامز جکسون، دانش آموخته دانشگاه کلمبیا، متخصص آمریکایی در حوزه زبان های هند و اروپایی، متولد نیویورک، وی را نخستین ایرانشناس بزرگ آکادمیک آمریکا نام می برند.



همانطور که بیان شده عمده روابط اقتصادی ایران در این دوره با کشور روسیه بود و تغییرات در وضعیت اقتصادی روسیه اثرات بیشماری روی کشور ایران می گذاشت. توسعه روابط دو جانبه ایران و روسیه از ۱۸۹۰ به بعد هم دارای مزایا و هم دارای کاستی های بود، چرا که بازار مناطق شمالی کشور به نحوی به بازار روسیه وابستگی شدید پیدا نموده بود و هر بحران بازار روسیه به صورت سیستمیک به بازار ایران سرایت می نمود. عبارت دیگر اثرات رکود و رونق بازار روسیه در مدت زمان کوتاه خود را در بازار ایران نمایان می کرد. بعنوان مثال خبر کاهش تولید چقندر قند در کشور روسیه و یا کاهش پرداخت سوبسید دولت به صنایع قند این کشور باعث افزایش قیمت قند در کشور ایران و بویژه مناطق شمالی می گشت. بعنوان نمونه دیگر می توان بیان نمود، که دولت روسیه برای جنگ با ژاپن تعداد زیادی از کارگران کارخانجات بویژه کارخانجات قند را به جبهه ها فرستاد و به محض اینکه این خبر به کشور ایران رسید، قیمت همه کالاها در کشور افزایش پیدا نمود. مثلاً "قیمت قند قبل از اعلام جنگ پوتی پنج هزار افزایش یافت و به قیمت پوتی بیست و پنج هزار ریال رسید.

در شرایط جنگ روسیه با ژاپن وضعیت اقتصادی ایران بدتر شد و تجار مسیحی به دلیل جنگ دو کشور زیان های زیادی نمودند و از کشور ایران متواری گشتند و محصولات ایران همانند ابریشم، پنبه، و برنج در کشور روسیه خریداران خود را از دست داد و این موضوع باعث کاهش شدید قیمت آن شد. عده ای بر این باورند که افزایش قیمت قند در کشور و بویژه پایتخت (تهران) موجب گردید، تا بدستور حاکم، بازرگانان ایرانی را تنبیه نمایند و این اتفاق در زمان ابتدای، شروع انقلاب مشروطیت بوده و در نتیجه این موضوع نیز یکی از عوامل ایجاد این انقلاب می باشد. در این دوره هر چند دولت روسیه سعی داشت تا صادرات خود را به ایران افزایش دهد، اما کارگزاران و دیپلمات های آنها جز در حوزه نفت و شکر در سایر حوزه ها فعال نبودند و سایر امور تجاری در دست بازرگانان محلی قرار داشت. (کاظم بیکی ۱۳۹۸، ۳۳۸-۳۳۹)

روس ها برای اینکه بتوانند در ایران و بویژه مناطق شمالی کشور به همراه نفوذ سیاسی، نفوذ اقتصادی نیز داشته باشند، همواره سعی می نمودند به همراه احداث بناهای تجاری و جذب تجار معروف ایرانی و بویژه تجار گیلانی (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۱۳). و تحت حمایت قراردادن آنها که تاثیر بسزای در افزایش فروش و رواج کالاهای روسی به این مناطق داشته باشند، استحکامات نظامی نیز ایجاد نمایند، که این موضوع بویژه در زمان محمد شاه نمود بیشتر داشت، هر چند صدراعظم حاج میرزا آقاسی این موضوع را نمی پذیرفت، ولی زیر بار زور روس ها و با عنوان کمک برای رفاء تجار روسی پذیرفت، که استحکامات نظامی نیز ایجاد گردد. ولی در زمان ناصرالدین شاه و صدر اعظمی امیرکبیر یکی از این تجارت خانه ها آتش گرفت و صدراعظم از تجدید بنا آن به عنوان مختلف جلوگیری نمود، ولی تنها پس از اصرار زیاد سفیر روسیه در ایران با اجاره نمودن یک مرکز شفاء خانه برای تجار روس موافقت بعمل آورد.

حکام کشور روس از دیر باز به دنبال تحت در اختیار گرفتن دریای مازندران بصورت یک دریای تمام روسی بودند، و به این مهم در دوره حکومت قاجار دست پیدا نمودند و حتی امکان کشتیرانی بصورت آزاد در مرداب انزلی برایشان در دوره



ناصرالدین شاه میسر گشت. روس ها در مدت زمان حکومت قاجار بر مناطق شمالی تسلط پیدا نمودند، و حتی وضعیت این مناطق بجای ر سیده بود، که در نیمه دوم قرن نوزدهم بدون اجازه روس ها ایرانیان حق کشتیرانی در مناطق شمالی کشور را ندا شتند و حتماً می بایست از ناخدای روس که در منطقه حضور داشت مجوز دریافت می کردند.

روس ها همیشه در صدد توسعه نفوذ خود به مناطقی همچون استرآباد، مازندران، گیلان، آذربایجان، و خراسان بودند. این کشور هیچ گاه به تمامیت ارضی ایران توجه نداشت و به آن احترام نگذاشت و همیشه در صدد تسلط بر مناطق حاصلخیز شمالی کشور بود، هر چند که بر سه طرف دیگر این دریا تسلط کامل پیدا نموده بود (کاو سی سهل آبادی، ۱۳۹۶: ۱۰۵) بعنوان نمونه می توان به موضوع جزیره آشوراده اشاره نمود. این جزیره پس از برکناری امیر کبیر از مقام خود به مهمترین مسئله سیاسی بین ایران و روسیه مبدل گشت و روس ها به بهانه مبارزه با شورش ترکمن ها از این جزیره بعنوان پایگاهی برای رسیدن به اهداف اقتصادی و سیاسی استفاده می کردند. سلطه روس ها بر این جزیره تا سال ۱۹۲۱ میلادی ادامه داشت و طی عهدنامه مودتی که بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی بسته شد، روس ها این جزیره را ترک نمودند. (آدمیت، ۱۳۴۸: ۵۰۳) در دوره ناصری کسری موازنه تجاری بین دو کشور ایران و روسیه به دلایلی همانند عدم وجود آمار درست، نامشخص بودن وضعیت آماری کشور و در نتیجه وضعیت میزان صادرات و واردات مشخص نبود. اسناد موجود در حکومت نیز به دلیل نبود یک سیستم نظام گمرکی یکسری اسناد قابل اتکا نبود، ولی می توان با مطالعه سفرنامه ها و روزنامه های دوره ناصری دریافت که کسری تراز پرداخت ها در این دوره بوده است. شجاعی دیوکلائی، ۱۳۹۶: ۹۸) در پایان سال های سلطنت ناصری روسیه صادرات خود به کشور ایران را که عمدتاً قند و شکر بود را دو برابر نمود. (انتز، ۱۳۶۹: ۱۱۳). حاج سیاح در سال های پایانی قرن سیزدهم از واردات بی رویه کالاهای روسی به کشور اعتراض نمود و بیان می کند که این رویه باعث نابودی صنایع کشور ایران خواهد شد. (غیائی، ۱۴۰۱: ۸)

## نتیجه گیری؛

بررسی روابط تجاری ایران و روسیه در دوره ناصرالدین شاه نشان می دهد که بنادر شمالی کشور نقشی حیاتی در اتصال ایران به اقتصاد جهانی ایفا کردند ماین بنادر، به ویژه انزلی، آستارا و بندرگز، مسیر اصلی صادرات محصولات کشاورزی ایران به روسیه بودند و توانستند مواد اولیه مورد نیاز صنایع روسیه را تأمین کنند. در نتیجه، کشاورزی ایران به سمت تولید محصولات پولی همچون ابریشم، برنج و پنبه سوق یافت و وابستگی اقتصادی کشور به بازارهای روسیه افزایش یافت. با وجود این، وابستگی شدید به تجارت با روسیه پیامدهای منفی نیز به همراه داشت. مونسانات بازار روسیه، بیماری های کشاورزی مانند شیوع کرم ابریشم، و سیاست های حمایتی دولت تزاری، ایران را در موقعیتی آسیب پذیر قرار داد. علاوه بر این، سرمایه گذاری های روسیه در زیرساخت ها و تأسیس بانک استقرایی، استقلال اقتصادی ایران را محدود کرد و کشور را به بخشی از نظام مالی و تجاری روسیه بدل ساخت ماین روند نه تنها اقتصاد ایران را تحت سلطه قرار داد بلکه پیامدهای سیاسی و اجتماعی گسترده ای نیز داشت، از جمله افزایش نفوذ روسیه در تصمیمات داخلی و شکل گیری زمینه های نارضایتی عمومی.



از منظر اجتماعی، مهاجرت‌های فصلی کشاورزان ایرانی به روسیه و حضور گسترده اتباع ایرانی در این کشور، روابط فرهنگی و اجتماعی میان دو ملت را گسترش داد. این تعاملات، در کنار نفوذ اقتصادی روسیه، به تغییرات فکری و سیاسی در ایران کمک کرد و زمینه‌ساز جنبش‌های اصلاحی و نهایتاً نهضت مشروطه شد.

در مجموع، تجارت روسیه در بنادر شمالی ایران در عصر ناصری، هم فرصت‌هایی برای توسعه کشاورزی و اتصال به اقتصاد جهانی فراهم آورد و هم تهدیدهایی برای استقلال اقتصادی و سیاسی کشور ایجاد کرد. این تجربه تاریخی نشان می‌دهد که وابستگی بیش از حد به یک قدرت خارجی، هرچند در کوتاه‌مدت موجب رونق اقتصادی شود، در بلندمدت می‌تواند به تضعیف استقلال ملی و افزایش آسیب‌پذیری کشور منجر گردد.



## فهرست منابع؛

۱. آدمیت، فریدون (۱۳۴۸)، امیرکبیر و ایران، تهران انتشارات خوارزمی، چاپ سوم.
۲. انتنر، مروین ل (۱۳۶۹)، روابط بازرگانی روس و ایران ۱۸۲۸ - ۱۹۱۴، ترجمه، توکلی، احمد؛ تهران مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی، چاپ اول.
۳. جمالزاده، سید محمد علی (۱۳۳۵)، گنج شایگان (اوضاع اقتصادی ایران)، نشر کاوه.
۴. عیسوی، چالز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵)، ترجمه آژند، یعقوب، نشر گستره، چاپ اول.
۵. رضوانی، روح الله (۱۴۰۰)، تاریخ سیاست خارجی ایران، تهران، چاپ دوم.
۶. شمیم، علی اصغر (۱۳۷۹)، ایران در دوران سلطنت قاجار، تهران، انتشارات زریاب.
۷. فوران، جان (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، تدین، احمد؛ موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران.
۸. کاظم بیکی، محمدعلی (۱۳۹۸)، روابط اقتصادی ایران و روسیه از آغاز تا سقوط قاجاریه، تهران، وزارت امور خارجه.
۹. کریمی گیلیه، یاسر (۱۳۹۹) تاملی بر یک قرن سیاست و اقتصاد در گیلان، گیوا، اول.
۱۰. لمبتون، آن. ک. س (۱۳۸۵)، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه: آژند، یعقوب، تهران؛ امیرکبیر، چاپ سوم.
۱۱. ملک زاده، محمود (۱۳۲۸)، تاریخ انقلاب مشروطه ایران، تهران، جلد اول.
۱۲. موسایی، میثم (۱۳۹۰)، تجارت خارجی ایران (در عهد قاجار و پهلوی)، تهران؛ انتشارات جامعه شناسان.
۱۳. بی نام (۱۳۷۱)، اقتصاد ایران، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
۱۴. آبدیان، حسین، رحمانی، سامان (۱۴۰۲)، پیامدهای سیاسی - اجتماعی ورود سرمایه خارجی و برونگرایی اقتصاد گیلان در دوره قاجار، نشریه سیاست، شماره ۶۸.
۱۵. پسندیده، شهلا و شهرزاد ساسان پور و میراسدالله صالحی پناهی، داود اصفهانیان (۱۴۰۲)، تبیین مفاد گمرکی در قراردادهای ایران با روسیه در دوره ناصری و مظفری با تاکید بر نظریه نظام جهانی وارشتاین (۱۲۸۷ - ۱۳۲۴ ق / ۱۸۷۰ - ۱۹۰۶ م)، مجله جامعه شناسی تاریخی، دوره ۱۴، شماره ۲، اسفند.
۱۶. پناهی، عباس (۱۳۹۹)، نقش ابریشم در روابط خارجی ایران عصر قاجار، نشریه تاریخ نامه بعد از اسلام، بهار، شماره ۲۲.
۱۷. حسن نژاد، زمانه (۱۳۹۸)، روابط بازارهای شمال ایران با روسیه تزاری در دوره قاجار، نشریه تاریخ اندیش، بهار، سال اول، شماره ۴.
۱۸. حسنی، سید رحمان (۱۳۸۸)، نقش شرکتهای تجاری ایران و روسیه در اقتصاد دوران قاجار، تاریخ روابط خارجی زمستان، شماره ۴۱.
۱۹. سید، محمود و صیادعبدی، نینا (۱۳۹۶) آثار عهدنامه های واگذار شده به روس و انگلیس در دوره ناصری و مظفری \* نشریه تاریخ (دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات)، زمستان، شماره ۴۷.
۲۰. شجاعی دیوکلای، سید حسن (۱۳۹۶)، سازماندهی اقتصاد تجاری ایران در عصر پهلوی اول، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، بهار و تابستان، شماره ۱۴.
۲۱. غیائی، فرزانه، حاتمی، امیرحسین، عادل فر، باقرعلیف پورمحمدی املشی، نصراله (۱۴۰۱) تاثیر روسیه بر ساختار اقتصادی گیلان از دوران ناصری تا انقلاب مشروطه، نشریه پژوهش های علوم تاریخی، زمستان، شماره ۳۲.
۲۲. کاوسی سهل آبادی، مهنوش (۱۳۹۶)، اوضاع تجاری و سیاسی دریای مازندران در دوره قاجار، نشریه مطالعات ایران شناسی؛ بهار، شماره ۸.
۲۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: (ساکما) شماره بازیابی: ۲۴۰-۴۸۰۶۸۰
۲۴. ساکما: ۲۴۰-۷۷۴۳۵
۲۵. ساکما: ۲۴۰-۲۱۹۵
۲۶. ساکما: ۲۹۵-۷۲۳۱
۲۷. ساکما: ۳۱۰-۸۸۴
۲۸. ساکما: ۲۹۵-۸۰۴۱
۲۹. ساکما: ۲۴۰-۲۲۷۸



## **The soft power component of Russian trade in northern Iranian ports during the reign of Nasser al-Din Shah**

### **Abstract**

This research analyzes and studies the trade relations between Iran and Russia during the Nasser al-Din Shah period. During this period, the government's failed efforts to industrialize the country, along with the successive failures of sugar, rope, paper, and glass factories, caused Iran's economic development path to become more dependent on agriculture and foreign trade. Relying on archival and library resources and using descriptive and analytical research methods, the present research examines various aspects of Russian trade in northern ports of Iran during the Nasser era and analyzes its economic and social consequences. It seems that Russia was able to consolidate its influence in the Iranian economy by taking advantage of political and economic privileges, including the construction of roads, investment in fisheries, and the establishment of a loan bank. The research findings show that: During this period, the northern ports of Iran, especially Anzali, Astara, and Bandar Gaz, played a pivotal role in exporting agricultural products such as silk, rice, cotton, and tea to Russia. The importance of these ports was revealed not only in supplying raw materials to Russian industries but also in the formation of Iran's economic dependence on northern markets.

### **Keywords:**

Maritime trade, Anzali port, Astara port, Nasser al-Din Shah, Turkmen port, soft power